

## بررسی چالش‌های زنان در دوره گذار از نقش مجرد به زوجیت

آسیه شریعتمدار<sup>۱</sup>، شکرانه رهبری<sup>۲</sup>، مطهره وکیلی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های زنان در دوره گذار از نقش مجرد به زوجیت، به‌روش کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل شهر تهران با گذشت حداقل پنج‌سال از دوره زوجیت ایشان بود. افراد نمونه به‌تعداد ۱۳ نفر باروش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده‌ها در مصاحبه انتخاب شدند. اطلاعات پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی تجزیه و تحلیل شد. مضامین مهم استخراج شده از مصاحبه‌ها شامل ۶ مضمون اصلی بود که عبارتند از: تغییر معیارهای قبل و بعد از ازدواج، ارتباط با همسر، ارتباط با خانواده‌ها، مدیریت تفاوت‌ها، مدیریت نقش‌ها و انعطاف‌پذیری در تغییر خود. مشاوران می‌توانند در مشاوره پیش از ازدواج و آموزش‌های آمادگی قبل از ازدواج از یافته‌های پژوهش حاضر در حل چالش‌های زنان در مرحله انتقال به زوجیت، بهره‌مند شوند.

**واژگان کلیدی:** چالش‌های زنان، زوجیت، دوره گذار از مجرد، گذار از مجرد به زوجیت.

---

### نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

۱. استادیار گروه مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: s\_shariatmadar@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: shokraneh\_rahbari@atu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: motahareh.vakili@ut.ac.ir

## An Investigation into Women's Challenges in the Transition Period from Being Single to Being Married

Asieh Shariatmadar<sup>۱</sup>, Shokraneh Rahbari<sup>۲</sup>, Motahareh Vakili<sup>۳</sup>

This qualitative research applied a phenomenological method was conducted with the purpose of investigating women's challenges in the transition period from being single to being married. The population included married women in the city of Tehran, who have been married for at least five years. The sample of ۱۳ was purposefully selected, based on the theoretical saturation of the interview. The data were collected using the in-depth semi-structured interviews and were analyzed by Colaizzi's seven-step method. ۶ main themes that were extracted are as follows: the change of criteria before and after marriage, communication with spouse, communication with families, managing differences, managing roles, and flexibility in changing oneself. While giving advice and providing preparation training before marriage, counselors can take advantage of these findings to solve women's challenges in the period of transition to being married.

**Keywords:** women's challenges, being married, transition period from being single to being married.

---

**Paper Type:** Research

**Data Received:** ۰۸/۱۱/۲۰۲۰ **Data Revised:** ۰۲/۰۵/۲۰۲۱ **Data Accepted:** ۱۵/۰۵/۲۰۲۱

۱. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty Member of Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: s\_shariatmadar@yahoo.com

۲. M.A. in Family Counseling, Department of Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: shokraneh\_rahbari@atu.ac.ir

۳. M.A. in School Counseling, Department of Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: motahareh.vakili@ut.ac.ir

کانون گرم خانوادگی، امن‌ترین پناهگاه مطمئن برای جوانان است که می‌توانند در آن اضطراب‌های درونی خود را به اطمینان، استقامت و آرامش تبدیل کنند و غم‌ها و نگرانی‌های خود را از یاد ببرند. (بیگ‌محمدی اندریان، ۱۳۹۸) خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان مجرد و بردگان و کنیزان صالح را تزویج کنید. چنانچه آنان فقیر باشند خداوند از فضل خود غنی و بی‌نیازشان می‌سازد. خداوند رحمتش وسیع و به احوال بندگان خود آگاه است» (نور: ۳۲). یکی از چالش‌های قابل پیش‌بینی در گذار از مجرد به زوجیت، چالش در زمینه تعیین، دستکاری و ترکیب نقش‌های رابطه‌ای است (راجرز و وایت،<sup>۱</sup> ۱۹۹۳). به عبارت دیگر همان‌گونه که بلاستاین<sup>۲</sup> از آن یاد می‌کرد، ازدواج نوعی داد و ستد هویتی است (بلاستاین<sup>۳</sup>، ۱۹۷۵). این رویکرد بر اهمیت توجه به دوره‌های گذار و تغییر نقش‌ها که مستلزم توجه به تکالیف جدید هر دوره است، تأکید دارد. گذار، آینه‌ای است که تغییر و تحولات جامعه در آن منعکس می‌شود و در عین حال، خود بر آن تحولات تأثیر می‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۷). از آنجاکه در طول دهه‌های گذشته، ازدواج و نهاد خانواده به صورت کلی دستخوش تغییرات گوناگونی بوده است، می‌توان گفت که انتظارات افراد از ازدواج نیز نسبت به گذشته متفاوت است. برای مثال ازدواج‌ها به سمت مشابهت و مساوات در نقش‌های جنسیتی (اسموک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، رمانتیک‌گرایی (کوپر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹) و انتظار دوام کمتر (جانستون، بچمن و امالی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷) تغییر مسیر داده است (به نقل از هال و آدامز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱).

ازدواج در گذشته، تنها راه رسیدن به بلوغ، ورود به بزرگسالی و استقلال از خانواده اصلی شناخته می‌شد. به همین دلیل افراد از سنین پایین اشتیاق به ازدواج و تشکیل خانواده داشتند. (آبرکرامی<sup>۸</sup>، ۱۳۸۸) امروزه زنان و دختران مهمترین وظیفه خود را مادری، نگهداری از فرزندان، همسری و انجام کارهای خانه نمی‌دانند و حضور فعال

۱. Rodgers, R. H., & White, J. M.

۲. Blumstein, P.

۳. Blumstein, P.

۴. Smock, P. J.

۵. Cooper, T.

۶. Johnston, L. D., Bachman, J. G., & O'Mally, P. M.

۷. Hall, S. S., & Adams, R. A.

۸. Abercrombie, P.

در اجتماع و بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی را مهتر تلقی می‌کنند. آنها حتی گاهی انجام این نقش‌های سنتی را مانعی برای انجام نقش‌های دیگر خود می‌دانند (فریدمن<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹). با وجود این تعارض نقش، فشار اجتماعی موجب می‌شود دختران در کنار تحصیل، اشتغال و سایر وظایف اجتماعی، در نهایت تصمیم به ازدواج بگیرند. بنابراین، می‌توان تحصیلات را هم به‌عنوان یک منبع قدرت برای زنان شاغل که نقش مهمی در تصمیم‌گیری آنها دارد در نظر گرفت و هم به‌عنوان عاملی فشارزا به آن نگریست. یکی از شرایط افزایش استرس و فشار روانی برای زنان متأهل دانشجوی، هم‌زمانی وظایف مربوط به زندگی زناشویی، نقش‌های خانوادگی و تحصیلی است (بلالی، محبی و حسینی، ۱۳۹۶). از طرفی در نگرش اسلامی، اشتغال زنان نباید موجب غفلت آنها از وظیفه مادری و همسری شود؛ زیرا طبیعت و فطرت، این وظایف را برای او معین کرده‌اند و هر دو از ارزش‌های برجسته اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۸۳).

تحقیقات گوناگون، تأثیر عوامل استرس‌زا بر ازدواج و رابطه زوجین را نشان می‌دهند. برای مثال مطالعه کارنی، استوری و بردبری<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) حاکی از آن است که زوجینی که سطوح بالاتری از استرس مزمن در طول سال‌های اولیه زندگی مشترک را گزارش کرده‌اند میزان کمتری از رضایت زناشویی را تجربه کردند. همچنین مطالعات دیگر نیز نشان داد که تجربه عوامل استرس‌زا نه تنها ارزیابی موقت زوجین از رابطه‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه بر سلامت رابطه زناشویی در درازمدت نیز مؤثر است (نفر و کارنی،<sup>۳</sup> ۲۰۰۴؛ نفر و کارنی،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷). تسر و بیچ<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) در پژوهش خود عنوان کردند که میزان استرس‌زا بودن این وقایع نیز در تعامل و قضاوت زوجین نسبت به یکدیگر مؤثر است. به عبارت دیگر اگر میزان استرس تجربه شده در اثر این عوامل پایین باشد زوجین به موقت بودن این شرایط آگاه بوده و در نتیجه از احتمال تحت تأثیر قرار گرفتن شناخت و قضاوتشان مطلع هستند و این آگاهی از شدت تخریب تعامل آنها می‌کاهد. این در حالی است که اگر میزان استرس بالا باشد شناخت و

۱. Freedman, M.

۲. Karney, B. R., Story, L. B., & Bradbury, T. N.

۳. Neff, L. A., & karney, B. R.

۴. Neff, L. A., & karney, B. R.

۵. Tesser, A., & Beach, S. R. H.

قضایات زوجین به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه آسیب در تعامل آنها با یکدیگر افزایش می‌یابد.

زوجین تازه ازدواج کرده، بیشتر بر اساس ایده‌آل‌های خود از ازدواج رفتار می‌کنند و رفتارهای منفی یکدیگر را نادیده گرفته و تلاش می‌کنند عشق و علاقه خود به یکدیگر را در زیباترین شکل ممکن به نمایش بگذارند. اگر نوعی سرخوردگی در رابطه با ویژگی‌های یکدیگر و ایدئال بودن ازدواجشان در رابطه آنها به وجود بیاید، رابطه آنها به سردی و حتی در مواردی به جدایی منجر می‌شود. (هاتسون، کائلین، هاتز، اسمیت و جرج،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱) پژوهش‌ها نشان‌دهنده اهمیت باورها و تصورات غیر واقعی از زندگی زناشویی، تصور زندگی زناشویی به شکل رویایی، آماده نبودن برای ورود به زندگی مشترک و نداشتن فهم کافی از دنیای مردانه در تقاضای زنان برای طلاق (شکرپیگی، احمدی و ابراهیمی‌منش، ۱۳۹۵) است، اما با ورود زوجین به زندگی زناشویی، آنها شروع به مقایسه بین واقعیت‌های ازدواج و انتظارات خود کرده و سازگاری آنها با ازدواج، وابسته به شباهت واقعیت‌ها و انتظارات آنها می‌شود و انتظارات غیرواقع‌بینانه منجر به نارضایتی و الگوهای تعاملی غیرسازنده بین زوجین می‌گردد (مکنالتی و کارنی،<sup>۲</sup> ۲۰۰۲، به نقل از هال و آدامز، ۲۰۱۱). همچنین شرایط بعد از ازدواج زنان با شغل و دیگر مسئولیت‌های آنها تداخل پیدا می‌کند. با وجود آنکه ممکن است زنان در مقایسه با مردان انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند، امکان دارد از نقش‌های اجتماعی ضربه بخورند (جهان‌بخشی، یوسفی و کشاورز افشار، ۱۳۹۳). چالش‌های هم‌زمان نقش‌های تحصیلی و خانوادگی باعث تقسیم نامتعادل انرژی و زمان می‌شود. وقتی انرژی و زمان به شکلی نامتوازن توزیع شود، انباشت نقش و متعاقب آن تعارض نقش اتفاق خواهد افتاد (بلالی،. و همکاران، ۱۳۹۶).

پژوهش‌ها نشان‌دهنده تأثیرات خانواده اصلی در رابطه زوجین است. برای مثال نقش آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در بروز چالش‌های زندگی زناشویی و کاهش سلامت جسمانی و روانی آنها در پژوهش قاسمی، اعتمادی و احمدی (۱۳۹۵)، اثر باورهای خانواده اصلی زوجین در کیفیت ارتباط آنها با یکدیگر

۱. Huston, T.L., Caughlin, J. P., Houts, R. M., Smith, S.E., & George, L. J.

۲. McNulty, J. K., & Karney, B. R.

(پوراسمعی، حشمتی و پرنیان خوی، ۱۳۹۸) و همچنین نقش وابستگی به خانواده اصلی در اختلافات زناشویی در پژوهش اینوسنت و هربرت<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) و ارتباط مثبت معنادار میان تجربه تعامل با خانواده همسر، نگرش حمایت‌گراانه شوهر و سازگاری با ازدواج در پژوهش لشری و لشری<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) مشاهده شده است.

غالب پژوهش‌ها به صورت کمی تأثیر یک چالش مشخص بر زندگی زوجی را بررسی کرده و کمتر با رویکرد پدیدارشناسانه چالش‌های زنان در گذار از مرحله مجرد به زوجیت را مطالعه نموده است. بنابراین، پژوهش حاضر با شیوه پدیدارشناسی این امکان را فراهم می‌کند تا چالش‌های زنان به عنوان یکی از ارکان کلیدی در حفظ ازدواج و خانواده در هنگام عبور از مجرد به زوجیت با عمق بیشتر و از دیدگاه مشارکت‌کنندگان بررسی شود. از طرفی با توجه به تغییرات اجتماعی نقش‌های زنان از نقش‌های سنتی به نقش فعال اجتماعی و با توجه به اینکه دین اسلام بیشترین توجه را به تکریم و تعالی خانواده داشته و این نهاد مقدس را کانون تربیت و محل مودت و رحمت می‌داند (بهشتی، ۱۳۶۱) چگونگی روابط میان زوجین و شناسایی چالش‌های پیش روی زنان متأهل به عنوان افراد تأثیرگذار در سلامت و بهزیستی خانواده می‌تواند مبنای تدوین برنامه‌های پیش‌گیرانه پیش از ازدواج باشد. هدف پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که زنان متأهل در دوره گذار از مجرد به زوجیت چه چالش‌هایی را تجربه می‌کنند؟

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

مفهوم چرخه زندگی خانواده،<sup>۳</sup> چارچوب مفیدی برای بررسی مراحل قابل پیش‌بینی ارائه می‌دهد که خانواده آنها را طی می‌کند. الگوی پیشنهادی کارتر و مک‌گولدریک<sup>۴</sup> درباره چرخه زندگی خانواده، طرح شش مرحله‌ای را برای دوره‌های تکاملی خانواده ارائه کرده است که مراحل آن عبارتند از: ترک خانه، پیوند خانواده‌ها از طریق ازدواج، خانواده دارای فرزندان خردسال، خانواده دارای فرزندان نوجوان، روانه ساختن فرزندان و جدایی و مرحله پایانی (گولدبرگ و گولدبرگ،<sup>۵</sup> ۱۳۹۴).

۱. Innocent, M., & Herbert, Z.

۲. Lashari, S. A., & Lashari, T. A.

۳. Family life Cycle

۴. Carter, B., & McGoldrick, M.

۵. Goldenberg, H., & Goldenberg, A.

خانواده در هر مرحله از دوره گذار و تغییر نقش‌ها عبور می‌کند و در نتیجه تکالیف جدیدی پدیدار می‌شود که ممکن است تجربه این تغییر با استرس همراه باشد. (افق‌ری، بهرامی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۵). اگر عوامل فشارزا در دوره گذار حل و فصل نشود زوجین دچار فشار مزمن می‌شوند.

تأثیر عوامل استرس‌زای بیرونی بر ازدواج از دو جهت قابل تبیین است: اول اینکه این عوامل می‌توانند منجر به افزایش فراوانی وقایع ناخوشایند در ارتباط زوجین شوند. (رپتی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹)، دوم اینکه این عوامل استرس‌زا بر منابع مقابله‌ای زوجین تأثیر می‌گذارد (مک‌کابین و پترسون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳، به نقل از نف و کارنی، ۲۰۰۹). براساس مفهوم چرخه زندگی، ازدواج به‌جای آنکه فقط پیوند دو نفر با یکدیگر باشد معرف دگرگونی در دو نظام جانشین‌دهنده خانوادگی و تکوین یک خرده‌نظام جدید است. بنابراین، ازدواج تنها پیوند میان زوجین نیست بلکه دربرگیرنده پیوند دو خانواده و آداب و رسوم آنهاست (موسوی، ۱۳۸۲). براین‌اساس، یکی از چالش‌های اساسی زوجین، ارتباط با خانواده‌هاست. بیشترین موضوع مشاجرات زن و شوهرهای ایرانی را چگونگی رابطه آنها با خویشاوندان و خانواده‌های اصلی آنها تشکیل می‌دهد. دخالت یا اعمال نفوذ خانواده‌های اصلی که بیشتر به‌صورت پنهانی اتفاق می‌افتد، می‌تواند یکی از زیربناهای جدی تعارضات زناشویی از آغاز تا پایان هر ازدواجی باشد (ثنایی، ۱۳۷۸). زوج‌هایی که حول رابطه خود مرز ایجاد نمی‌کنند درون خانواده اصلی یا روابط دوستی گیر می‌افتند و این مسئله گاهی در رابطه آنها با یکدیگر مشکل ایجاد می‌کند (نظری، ۱۳۹۲). براساس رویکرد بین‌نسلی بوئن، زوج‌ها الگوهای رفتاری خانواده اصلی را تکرار می‌کنند و یکی از مشکلاتی که آنها تجربه می‌کنند مشکلات ناشی از پیام‌های متفاوت خانواده اصلی است. در واقع هر کدام از زوجین پیام‌های متفاوتی را در رابطه با نقش‌های جنسیتی، مدیریت مالی، تربیت فرزندان و موضوعات جنسی از خانواده اصلی خود دریافت کرده‌اند و با شکل‌گیری خانواده جدید به‌طور متفاوتی نسبت به این مسائل واکنش نشان می‌دهند. (لانگ و یانگ<sup>۳</sup>، ۱۳۹۳) بنابراین، زوجینی که تازه ازدواج کرده‌اند از طرفی باید مرزهای جدیدی با خانواده‌های خود ایجاد کنند و خود را با خانواده

۱. Repetti, R. L.

۲. McCubbin, H. I., & Patterson, J. M.

۳. Long, L., & Young, M.

همسر سازگار کنند و از طرفی باید بتوانند خود را با استرس‌های ناشی از دوره گذار و تغییر نقش‌ها و پذیرش تکالیف جدید سازگار کنند.

### ۳. شیوه اجرای پژوهش

#### ۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام شد. پدیدارشناسی، مطالعه تجربه‌زیسته یا جهان زندگی است (ون‌منون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷) و به عقیده پولکینگ‌هورن، جهان زندگی تجربه‌ای است که بدون تفکر ارادی و بدون متوسل شدن به طبقه‌بندی کردن یا مفهومی‌سازی، حاصل می‌شود و دربرگیرنده آن چیزهایی است که بدیهی یا متداول شمرده می‌شوند.

تحلیل داده‌ها باروش هفت مرحله‌ای کلایزی<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) صورت گرفت. در این روش، پس از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، ابتدا بیانات آنها به صورت کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته شد و برای درک تجارب و چالش‌های شرکت‌کنندگان چندین بار مطالعه شد. در مرحله دوم و پس از مطالعه همه توصیف‌های شرکت‌کنندگان، اطلاعات با معنی و بیانات مرتبط با پدیده بحث مشخص شد. در مرحله سوم که مرحله تدوین معانی و استخراج مفاهیم بود، پس از مشخص کردن عبارات مهم هر مصاحبه، از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد بود، استخراج گردید. پس از کسب مفاهیم تدوین شده، مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه، بررسی شد. در مرحله چهارم، مفاهیم تدوین شده به دقت مطالعه شده و براساس تشابه مفاهیم، طبقاتی تشکیل داده شد. در مرحله پنجم که مرحله تدوین توصیف تحلیلی احساسات مشارکت‌کنندگان و دیدگاه‌های مربوط به موضوعات بود نتایج برای توصیف جامع از پدیده مورد مطالعه به هم پیوند داده شد و دسته‌های کلی‌تری شکل گرفت. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده مورد مطالعه با زبانی واضح و بدون ابهام ارائه شد. در مرحله پایانی، اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و ارائه ساختاری توصیفی از معانی تجارب انجام گرفت. برای انجام این کار، نقل قول‌ها و کدهای

۱. Van Manen, M.

۲. Polkinghorne, G.

۳. Colaizzi, P.

اختصاص یافته به هر قسمت در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شد تا در صورت لزوم، کدها را تغییر داده و یا مواردی را به گفته‌هایشان اضافه کنند.

### ۳-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام زنان متأهل شهر تهران با گذشت حداقل پنج سال از ازدواج آنها بود که تا هنگام پژوهش با همسر خود زندگی می‌کردند. افراد نمونه به تعداد ۱۳ نفر، به روش هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه عمیق انتخاب شدند.

### ۴. یافته‌های پژوهش

#### جدول ۱

#### ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

شماره مشارکت‌کننده	سن	اختلاف سنی با همسر به ماه	مدت زمان تأهل به سال	تعداد فرزندان	درآمد شخصی به تومان
۱	۳۱	۳	۶	۱	۵/۰۰۰/۰۰۰
۲	۲۳	۳۶	۵	۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
۳	۲۷	۱۲۰	۱۰	۱	۰
۴	۳۲	۶۷	۶	۰	۱/۹۰۰/۰۰۰
۵	۲۳	۸۴	۵	۱	۰
۶	۳۳	۱۲	۸	۱	۰
۷	۲۹	۴۸	۶	۲	۰
۸	۲۹	۰	۷	۱	۰
۹	۳۵	۷۲	۶	۲	۳/۰۰۰/۰۰۰
۱۰	۲۹	۵	۶	۰	۰
۱۱	۲۷	۶۰	۵	۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
۱۲	۳۴	۷۲	۸	۰	۰
۱۳	۳۰	۳۰	۵	۰	۲/۷۰۰/۰۰۰
میانگین	۲۹/۴	۴۶/۸	۶/۴	۰/۷	۱/۲۳۸/۴۶۲

براساس این جدول جدول ۱ میانگین سنی زنان مشارکت‌کننده در پژوهش ۲۹/۴ سال، میانگین اختلاف سنی با همسر ۴۶/۸ ماه و مدت زمان تأهل آنها ۶/۴ سال بود.

جدول ۲

چالش‌های زنان در دوره گذار از نقش مجرد به زوجیت

مضمون اصلی	مضمون فرعی
تغییر معیارهای قبل و بعد از ازدواج	عدم تحقق معیارها و قوانین ذهنی
	عدم تحقق رؤیاها و مواجهه با واقعیت
	تغییر معیارهای انتخاب همسر
	عدم تحقق معیارها در مورد خانواده همسر
	تغییر تصویر از خود
ارتباط با همسر	عدم آشنایی با افکار و روحیات همسر
	حل و فصل دلخوری و تعارض
	عدم تناسب بین احترام و حمایت (مرد) از خانواده و همسر
	رودربایستی و عدم صمیمیت
	زودرنجی همسر و سکوت در هنگام ناراحتی
	عدم کنترل خشم همسر
ارتباط با خانواده‌ها	دخالتهای خانوادها در امور زوجین
	فقدان توجه و درک از خانواده همسر
	ناپختگی در مواجهه با واکنش‌های خانواده همسر
	کنترل شدن از طرف خانواده همسر
	عدم صداقت خانواده همسر
مدیریت تفاوت‌ها	ناهماهنگی هیجانی با همسر
	تفاوت در خودنظم‌بخشی زوجین
	تفاوت فرهنگی و تربیتی خانوادها
	تفاوت با همسر و خانوادها در میزان صمیمیت و رفت و آمد
	تفاوت نقش زن و مرد در خانوادها
	تفاوت دیدگاه‌ها و ارزش‌ها

	تفاوت در علایق
مدیریت نقش‌ها (درآمدزایی، تحصیل، خانه‌داری، همسری و نقش والدینی)	انتظار مرد نسبت به درآمدزایی زن
	درآمد بیشتر زن
	ناچاری زن به پذیرش نقش درآمدزایی
	ادامه تحصیل زن
	فرزندآوری
	مسئولیت خانه‌داری
	تعارض کار و تحصیل با نقش همسری
	انتقال از تجرد به موقعیت همسری
انعطاف‌پذیری در تغییر خود	عدم پذیرش تفاوت‌ها
	تغییر پوشش
	خوددرگیری در مورد الگوبرداری از رفتار مادر

پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، چالش‌های زندگی پس از ازدواج زنان در ۶ مضمون اصلی و ۳۴ مضمون فرعی طبقه‌بندی شد که در جدول ۲ گزارش شده است.

#### ۴-۱. تغییر معیارهای قبل و بعد از ازدواج

##### ۴-۱-۱. عدم تحقق معیارها و قوانین ذهنی

عدم آمادگی برای چالش‌های زندگی مشترک و نداشتن تصور ذهنی از آن باعث شکل‌گیری ادراکی متفاوت نسبت به دشواری‌های زندگی زناشویی شده است. به‌نظر می‌رسد جوانان زندگی را با قالب‌های غیرواقعی مقایسه می‌کنند و به‌دلیل کاهش تعداد فرزندان، تجربه زیسته اندکی در مورد واقعیت زندگی دارند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان کرد:

قبل از ازدواج، بیشتر به ظواهر توجه می‌کردم و معیارام فرق داشت و فکر می‌کردم روابط و مشکلات زن و شوهر با قوانینی که تو ذهنمه و تو درس‌ها خوندم و یاد گرفتم حل میشه، ولی تو زندگی فهمیدم همه چی دو تا چهار تا نیست و زندگی هر فرد سیاست خاص خودشو می‌خواد و کم‌کم با شناخت هم و حساسیت‌ها و درک متقابل و صبر میشه مشکلاتو حل کرد.

#### ۴-۱-۲. عدم تحقق رؤیاها و مواجهه با واقعیت

فضاهای مجازی با ظاهری لوکس و آرمانی، منبع دیگر اطلاعات جوانان در مورد زندگی زناشویی است. بنابراین، روبه‌رویی با واقعیت زندگی مشترک و فاصله گرفتن از انتظارات رمانتیک پیش از ازدواج چالش دیگر مشارکت‌کنندگان بود. برخی عنوان کردند که تصور آنها از زندگی مشترک، تصویری رویایی بود که در مواجهه با زندگی محقق نشد. مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان کرد: «من همیشه فکر می‌کردم زنی که ازدواج می‌کنه تو خونه به خودش می‌رسه، زن و مرد همیشه در حال عشقبازی و قربون صدقه رفتن هستن، اما بعد از ازدواج فهمیدم زندگی روی تلخ هم داره».

#### ۴-۱-۳. تغییر معیارهای انتخاب همسر

در زندگی سنتی، والدین با معیارهای عاقلانه، فرزندان را برای انتخاب همسر یاری می‌کردند، اما امروزه در دنیای صنعتی در غالب تعاملات، نوعی مبادله صورت می‌گیرد که براساس آن، رفتار انسان مانند ساز و کار اقتصاد برای کسب بیشترین سود و کمترین زیان و هزینه عمل می‌کند. بنابراین، معیارها متمرکز بر موقعیت اقتصادی-اجتماعی همسر شده است، اما زوجین پس از گذشت مدتی از ازدواج، متوجه میزان اهمیت معیارهای دیگری از قبیل ویژگی‌های شخصیتی می‌شوند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این باره بیان کرد:

من برام بیش از حد مهم بود که همسرم حتماً جایگاه اجتماعی خوبی داشته باشه. تحصیلاتم مهم بود، شغلم مهم بود، ولی بعد که وارد زندگی شدم، احساس کردم که هیجان و اون شور زندگی که تو فرد وجود داره برای زندگی واقعاً خیلی مهمه.

#### ۴-۱-۴. عدم تحقق معیارها در مورد خانواده همسر

انتخاب‌های عاشقانه و بدون نظارت خانواده موجب می‌شود جوانان از تأثیر خانواده در زندگی غافل شوند. عدم شناخت از ویژگی‌های شخصیتی خانواده همسر و یا موقعیت اجتماعی-اقتصادی آنها و روبه‌رو شدن با واقعیتی متفاوت پس از ازدواج از دیگر چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ در این باره گفت: «تنها تصویری که از خانواده همسر داشتم این بود که خانواده همسر من همشون تحصیلات

عالی داشته باشن؛ یعنی دوست داشتم این طوری باشن، ولی اینها تحصیلات کاملاً عادی دارن و مثلاً بیشتر دیپلم هستن».

#### ۴-۱-۵. تغییر تصویر از خود

مواجه شدن با واقعیت‌های زندگی مشترک و ویژگی‌های همسر باعث شکل‌گیری احساس قربانی شدن در مشارکت‌کنندگان و اتخاذ موضع تسلیم در برابر چالش‌های پیش‌رویشان شده بود. به نظر می‌رسد فرزندمحوری و عدم تجربه ناکامی در فرزندان به دلیل کاهش زمینه‌های رقابت با هم‌تابان موجب کاهش تاب‌آوری و اتخاذ موضع انفعال در صورت رویارویی با فشارهای زندگی شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ گفت: «از اونجایی که انتظاراتی که از بعد ازدواج داشتم با آنچه که اتفاق می‌افتاد، متفاوت بود احساس قربانی بودن می‌کردم و همین باعث می‌شد موضعم در برابرش سالم نباشه و بیشتر حالت منفعلانه داشتم».

#### ۴-۲. ارتباط با همسر

#### ۴-۲-۱. عدم آشنایی با افکار و روحیات همسر

شناخت ناکافی نسبت به نگرش‌ها و طرز فکر و خصوصیات رفتاری همسر باعث شکل‌گیری اختلاف نظر میان زوجین می‌شود. غالب جوانان با انتخاب‌های هیجانی عاشقانه و تحت تأثیر شیفتگی نمی‌توانند به واقعیت روحیات طرف مقابل خود پی ببرند. مصاحبه‌شونده شماره ۹ بیان کرد: «در سال اول زندگی به خاطر عدم شناخت همسر و نداشتن شناخت از افکار اون در مورد این مسائل چالش داشتیم».

#### ۴-۲-۲. حل و فصل دلخوری و تعارض

وجود تفاوت در نحوه نگرش به تعارض و شیوه انتخابی زوجین برای مدیریت و رفع این تعارض‌ها باعث بروز چالش برای مشارکت‌کنندگان شده بود. عدم تمرکز زوجین بر سازگاری دوطرفه و پافشاری بر نظر خود، مانع همگرایی پیرامون علل شکل‌گیری و راه‌حل‌های احتمالی برای تعارض شده و عدم توافق در رابطه با شیوه حل تعارض، تبدیل به منبعی برای اختلاف گردیده است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ بیان نمود: «در مورد شیوه مدیریت، من خیلی دوست دارم بحث کنیم و با صحبت همه چیو حل کنیم،

ولی همسر من می‌خواهد زود تموم شه و بچمون یا نیمه تموم می‌مونه یا می‌گه آره درست می‌گی. بگما منم کوتاه بیا نیستم».

#### ۴-۲-۳. عدم تناسب بین احترام و حمایت مرد از خانواده و همسر

عدم مدیریت میان میزان حمایت و توجه به همسر و خانواده از جانب مرد باعث شکل‌گیری چالش و اختلاف نظر میان مشارکت‌کنندگان و همسرانشان شده بود. به نظر می‌رسد از طرفی عدم جدایی مردان از خانواده خود و از طرف دیگر، انحصار طلبی زنان در محبت، باعث چنین چالشی شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان کرد: «انتظارات من بیشتر توی این زمینه بوده که چرا همون قدر که برای خانواده‌اش نگران هست، برای من نیست».

#### ۴-۲-۴. عدم صمیمیت

فقدان صمیمیت کافی برای در میان گذاشتن انتظارات مالی با همسر، یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود. این مسئله به این دلیل روی می‌دهد که زنان تکیه مالی بر همسر را نوعی ضعف و خواری تلقی می‌کنند و انتظار دارند همسرشان خود متوجه این نیاز شود. مصاحبه‌شونده شماره ۶ گفت: «من به عنوان یک زن که حدوداً یک سال هم نامزد بودم اصلاً به هیچ‌وجه روم نمی‌شد از همسر من به عنوان پول توجیبی پول بگیرم که حتی بعد از یک سال از ازدواج هم این موضوع ادامه داشت».

#### ۴-۲-۵. زودرنجی و سکوت همسر در هنگام ناراحتی

اجتناب مردان از مواجهه با مشکلات، مانع شکل‌گیری ارتباط مؤثر میان زوجین شده است؛ زیرا یکی از پیش‌زمینه‌های لازم برای حل مسائل، شکل‌گیری گفت‌وگو میان زوجین است. از طرفی ممکن است این مسئله در نتیجه تکرار مکرر مشکلات و سرزنشگری مداوم زنان و زنجیره‌ای متقابل باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان کرد: «همسر من فوق‌العاده زودرنجه و آگه کاری و حرفی برخلاف میلش باشه، ناراحت میشه و روزهای طولانی فقط سکوت می‌کنه».

#### ۴-۲-۶. عدم کنترل خشم همسر

استفاده از شیوه‌هایی مانند پرخاشگری کلامی توسط همسر و رنجش حاصل از آن از دیگر چالش‌های تجربه شده توسط مشارکت‌کنندگان بود. بروز پرخاشگری کلامی می‌تواند ادامه زنجیره سرزنشگری-اجتناب و انفجار ناگهانی و در واقع ضعف تنظیم هیجانات باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ گفت: «همسر من کنترل خشم پایینی داشت و هر نوع مقابله‌ای منجر به مشکلات جدی‌تر می‌شد و از آزارهای کلامی بسیاری برای تحت کنترل درآوردن اوضاع به نفع خودش استفاده می‌کرد».

#### ۴-۳. ارتباط با خانواده‌ها

##### ۴-۳-۱. دخالت خانواده‌ها در امور زوجین

درحالی‌که انتقال به مرحله زوجیت، مستلزم استقلال از خانواده خود و ایجاد واحد زناشویی و تنظیم مجدد روابط با خانواده والدینی است گاه خانواده‌ها پذیرش این استقلال را به‌عنوان ورود فردی بیگانه و تصاحب فرزند آنها می‌دانند؛ نتیجه اینکه خانواده نمی‌تواند مرز مناسبی با فرزند متأهل خود ایجاد کند. مرزی که واحد زناشویی را به رسمیت بشناسد. مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان کرد: «مادرم دوست داره در تمام مسائل، نظرش پیشرو باشد و ما در این مورد به چالش‌هایی خوردیم».

##### ۴-۳-۲. فقدان توجه و درک از خانواده همسر

زنان گاه تصور می‌کنند زندگی با خانواده همسر، جنگی تمام عیار است. این گوش‌به‌زنگی موجب می‌شود به‌جای تدبیر و چاره‌اندیشی در حل مشکلات با آنان خصمانه رفتار کنند. نتیجه چنین رفتاری عدم درک متقابل است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ گفت: «اگر سرشون منت بذاری، از بالا نگاهشون کنی تازه قدر ارزشت رو میدونن، ولی بعضی آدم‌ها نه فرهنگش رو ندارن، یعنی اگر سخت‌گیری بهشون، کنار بیای باهاشون، گذشت کنی، ندید بگیری، بعضیا می‌فهمن، ولی بعضیا نه، متوجه نمیشن».

##### ۴-۳-۳. ناپختگی در مواجهه با واکنش‌های خانواده همسر

ازدواج‌های فامیلی در سنین پایین و عدم بلوغ شناختی، هیجانی و رفتاری مشارکت‌کنندگان در کنار رفتارهای ناکارآمد و مسائل جانبی پیش‌آمده آن از دیگر

## Archive of SID

چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود. در ازدواج فامیلی، سیستم باثباتی شکل گرفته است که امکان تغییر آن در خانواده تازه‌شکل‌گرفته، مستلزم خودآگاهی و بلوغ کفایت که در سنین کم غیر محتمل است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرد: «با خانوادش خیلی مشکلات جدی داشتم. به خاطر اینکه ازدواج فامیلی بود، حاشیه توی زندگیم خیلی زیاد بود و اینکه من خیلی سن کمی داشتم، پختگی و آمادگی ازدواج نداشتم».

### ۴-۳-۴. کنترل شدن از طرف خانواده همسر

براساس نظریه بوئن، عدم توجه خانواده همسر به حریم شخصی زوجین، موجب اضطراب و ایجاد احساساتی مانند خشم، ناکامی، رنجش و کدورت میان فرد با همسر و خانواده همسر می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ گفت: «اینکه من دوست داشتم وقتی همسر من رفت مأموریت، تنها باشم تو خونم. اونا اصلاً براشون تعریف نشده بود و اصلاً نمیفهمیدن، میومدن به زور منو میبردن و من رنج می‌بردم واقعاً».

### ۴-۳-۵. عدم صداقت خانواده همسر

عدم همخوانی میان گفتار و رفتار خانواده همسر و ادراک این عدم همخوانی از جانب مشارکت‌کننده از دیگر چالش‌های اساسی زنان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۹ بیان کرد: «فقط اینکه آنها مثل ما صادق نبودند و محافظه کارند».

### ۴-۴. مدیریت تفاوت‌ها

#### ۴-۴-۱. ناهماهنگی هیجانی با همسر

عدم همخوانی در میزان افشاگری احساسات زوجین و درخواست همسر برای دریافت محبت بیشتر یکی از چالش‌های تجربه شده توسط مشارکت‌کنندگان بود: مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ بیان کرد: «مثلاً انتظار همسر من از من اینه که همین مهربون و رمانتیک‌تر باشم چون خودش شخص رمانتیکه، ولی من هنوز نتونستم انجامش بدم».

#### ۴-۴-۲. تفاوت در خودنظم‌بخشی زوجین

تمایل زوجه به برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت مشترک و عدم انطباق همسر با این برنامه‌ها موجب بروز رنجش و ناکامی می‌شود؛ زیرا در نهایت به اجبار برنامه‌ها را به صورت انفرادی انجام می‌داد که این نیز یکی از چالش‌های تجربه شده توسط

مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان کرد: «من برنامه‌ریزی دارم برای ساعت ساعت که چیکار می‌خوام بکنم، برنامه هفتگی دارم و همه اینا، ولی خب همسرم اینجوری نیست. همسرم هر کاری پیش بیاد انجام می‌ده، همیشه باهاش راجع به آینده زیاد صحبت کرد».

#### ۴-۳. تفاوت فرهنگی و تربیتی خانواده‌ها

خاستگاه‌های متفاوت تربیتی زوج و تفاوت‌های ادراکی از رفتاری مناسب، تفسیر مثبت رفتارهای نامناسب خانواده خود و برچسب‌زنی منفی به رفتار مناسب خانواده همسر، اثر خود را در جنبه‌های مختلف زندگی مشترک مانند مشورت و تصمیم‌گیری زوجین نشان می‌دهد و موجب بروز دشواری در زندگی زناشویی می‌گردد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ اظهار داشت: «در خانواده مادرم‌ریا، زن و مرد جایگاه سنتی‌ای ندارند. طلاق به‌شدت اطرافمون زیاده. بزرگ‌تر و کوچک‌تر و احترام آنچنان در خانواده مادرم جایگاهی نداره، اما خانواده همسرم کاملاً متفاوته. یک خانواده مردسالار که مرد تصمیم‌گیرنده خانواده است».

#### ۴-۴. تفاوت با همسر و خانواده‌ها در میزان صمیمیت و رفت‌وآمد

تفاوت در میزان رفت‌وآمد ممکن است نه به‌عنوان عادت‌های رفتاری جاافتاده بلکه یک ارزش تلقی شوند. اینکه رفت‌وآمد زیاد نشانگر محبت و گرمی و رفت‌وآمد کم نشانگر سردی و بی‌تفاوتی تلقی شود، ممکن است آغاز چالش و مشاجرات باشد. بنابراین، لازم است در مورد این آداب و سنن خانوادگی بدون ابهام گفت‌وگو شود تا طرفین خود را برای آن آماده کنند: مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان کرد: «خانواده من پرجمعیت و خانواده همسر کم جمعیت هستند و خانواده من خیلی اهل رفت‌وآمد هستن و خانواده همسرم نیستن».

#### ۴-۵. تفاوت نقش زن و مرد در خانواده‌ها

با توجه به تفاوت موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده زوجین و نگرش آنها به تقسیم وظایف، همکاری و مشارکت زوج در امور مربوط به زندگی زناشویی باعث شکل‌گیری انتظارات و رفتارهای مخصوصی در هر کدام از زوجین می‌شود. بروز چالش در این

حیطه نیز از دیگر مسائل مشاهده شده بین مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ بیان کرد: «من در خانواده‌ای بزرگ شده بودم که مردهای خانواده در امور خانه به خانم‌هاشون کمک می‌کردن. برعکس مردهای خانواده همسر من هیچ کاری در منزل انجام نمیدادن. اوایل پذیرش این مسئله برای من خیلی سخت بود».

#### ۴-۶. تفاوت دیدگاه‌ها و ارزش‌ها

باورها و ارزش‌های هر فرد منبع مهم تعیین تصمیم‌های اوست. بنابراین، عدم همخوانی در نحوه نگرش به مسائل گوناگون، یکی دیگر از منابع اختلاف نظر و چالش در زندگی زناشویی مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ گفت: «چالش‌های عمده در حیطه‌های عقیدتی و ارزشی بوده».

#### ۴-۷. تفاوت در علایق

عدم هماهنگی رجحان‌ها و علایق زوجین در حیطه‌هایی مانند نحوه سپری کردن اوقات فراغت و عدم مهارت در حل این مسئله، یکی از مسائل مهم در زندگی زناشویی مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بیان کرد: «مثلاً من پیشنهاد سینما و تئاتر میدم، ولی همسر من پیشنهاد ورزشی».

#### ۴-۵. مدیریت نقش‌ها

##### ۴-۵-۱. انتظار مرد نسبت به درآمدزایی زن

تمایل زنان به ارتقای علمی و عدم تمرکزشان بر درآمد از سویی و تأکید و انتظار همسر برای مشارکت او در مخارج و درآمدزایی به دلیل فشار زندگی از دغدغه‌های مهم مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ اظهار داشت: «همسر من انتظار داشت که مثلاً من خیلی زود وارد به کار جدی پردرآمد بشم. من خب دوست دارم وارد فضای هیئت علمی و دانشگاه بشم و اون اصلاً اینا برایش خیلی تعریف نشده است».

##### ۴-۵-۲. درآمد بیشتر زن

به‌طور سنتی در فرهنگ کشور ایران، مردان به‌لحاظ سنی، تحصیلی و میزان حقوق در موقعیت بالاتری از زنان قرار دارند. بنابراین، میزان بالاتر درآمد زن نسبت به مرد و احساس شکست و ناراحتی همسر از این عدم هماهنگی، از مسائل دیگر

مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان کرد: «همسر من برایش سنگین بود که به خاطر نیازی که تو زندگی بود من هم حقوقمو بیارم تو زندگی. اینکه حقوق من بالاتر بود، باعث می‌شد که همسر من اعتماد به نفسش کاهش پیدا کنه که انگار نقش مسئول و درآمدزا بودنشو به خوبی انجام نمیده».

#### ۴-۵-۳. ناچاری زن به پذیرش نقش درآمدزایی

با وجود علاقه زنان به کار کردن، کافی نبودن حقوق همسر برای مدیریت هزینه‌های زندگی و ناچاری زن در کار کردن هم‌زمان با همسرش، برای مشارکت‌کنندگان چالشی جدی بود. مصاحبه‌شونده شماره ۹ گفت: «حقیقتش اینکه تا حدودی از لحاظ مالی به خاطر اینکه خانواده همسر کمکی به ما نکردند و شغل همسر طلبگیه، تحت فشار بودیم و هنوز هم ادامه داره که این باعث میشه کنار همسر کار کنم».

#### ۴-۵-۴. ادامه تحصیل زن

لازم است زنان برای ادامه تحصیل، مهارت ایجاد توازن بین اهداف فردی و زوجی را در خود پرورش دهند. افراط در توجه به اهداف تحصیلی و عدم درک همسر از میزان اهمیت این مسئله باعث بروز اختلاف نظر و مشاجره بین زوجین می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان کرد: «خب مشغول بودن من به درس برایش تا مثلاً ۴۰-۳۰ درصد معنی نداره در صورتی که برای من بی‌نهایت معنی داره؛ یعنی تمام جهان معنایی من، به بخش زیادیش حداقل خلاصه میشه تو همین موضوع».

#### ۴-۵-۵. فرزندآوری

زوجین باید پیش از ازدواج برای اهداف مهم زندگی گفت‌وگو کنند. اصرار همسر برای فرزندآوری در سال‌های ابتدایی ازدواج از سییو و تمایل خانم به ادامه تحصیل و عدم علاقه به فرزندآوری از سوی دیگر باعث دلخوری همسر می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ اظهار داشت: «اون انتظار داشت که خیلی زود ما زندگیمون به ذره جون بگیره و بچه‌دار بشیم. خب من خیلی توی این فکر نیستم و نبودم. توی یه فشاری هستم که همون تا مثلاً ۳، ۴ ماه اول زندگی هم این تقریباً خیلی بولد شد تا همین الانم که هست».

#### ۴-۵-۶. مسئولیت خانه‌داری

تمرکز بیش از حد بر اهداف تحصیلی فرزندان در خانواده و عدم پرورش مسئولیت‌پذیری در زندگی منجر به بیگانگی زنان با مدیریت خانه و دشواری در پذیرش این وظایف و تحمل فشار زیاد می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۹ گفت: «کنار او مدن با اون همه مسئولیت که توقع اونو نداشتم؛ مثل خونه‌داری».

#### ۴-۵-۷. تعارض کار و تحصیل با نقش همسری

آرمان‌گرایی جوانان برای طی راه صد ساله در فرصتی اندک و پذیرش مسئولیت‌های متعدد به دشواری مدیریت هم‌زمان نقش همسری، مادری و دانشجویی از سویی و فشارهای محیط شغلی و تمایل زنان برای اداره این جوانب به صورت ایده‌آل از سوی دیگر، باعث بروز خستگی و ادراک فشار توسط مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱ اظهار داشت: «چالشم بیشتر مدیریت زندگی زناشویی با کار تمام وقت و درس خوندنم بود که بتونم برای همه چی وقت بذارم و به‌نحو احسن باشم».

#### ۴-۵-۸. انتقال از مجرد به موقعیت همسری

در بیشتر خانواده‌های امروزی، دختران پیش از ازدواج مسئول برنامه‌ریزی برای ارضای نیازها و مسئولیت‌های فردی خود هستند و برای تصمیم‌گیری مستقل با دشواری چندان روبه‌رو نیستند، اما با ورود به زندگی مشترک، اتخاذ نقش همسری و ضرورت مشورت و همکاری در اتخاذ تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌هایشان، چالش‌هایی ایجاد می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان کرد: «مثلاً قبل ازدواج همه وقتم برای خودم بود و می‌تونستم شخصاً برنامه‌ریزی کنم، اما بعد ازدواج، خب دیگه این شکلی نیست؛ چون لازمه زمان زیادی به مدیریت مسائل خونه اختصاص بدم و برای بیشتر موارد باید با در نظر گرفتن نظر یکی دیگه که همسرمه تصمیم بگیرم».

#### ۴-۶. انعطاف‌پذیری در تغییر خود

#### ۴-۶-۱. عدم پذیرش تفاوت‌ها

عدم انعطاف‌پذیری مشارکت‌کننده در ادراک و پذیرش تفاوت‌های شخصیتی با همسر و یا خانواده او و انطباق‌پذیری پایین آنها برای هماهنگی خود با این تفاوت‌ها موجب

یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود: مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ بیان کرد: «الان بیشتر مشکل از من هست، فکر می‌کنم از جانب شخص خودمه که نمی‌تونم تفاوت‌های آدما رو شاید مثلاً بپذیرم، تفاوت‌هایی که مورد تأیید شخص من نیست».

#### ۴-۶-۲. تغییر پوشش

تبعیت زن از معیارها و ملاک‌های جدید برای ظاهر و پوشش که با هویت او هماهنگی ندارد منجر به شکل‌گیری احساسات نامطلوب در او می‌شود که این موضوع یکی از چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ بیان کرد: «برای من گاهی سخت بود که با پوشش جدید بخوام وارد خانواده بشم و خیلی وقت‌ها خجالت می‌کشیدم و ازشون دوری می‌کردم».

#### ۴-۶-۳. خوددرگیری در مورد الگوبرداری از رفتار مادر

تأثیرپذیری زنان از الگوهای رفتاری رایج میان والدین و شیوه‌های حل مسئله مادر از سویی و ادراک ناکارآمد بودن برخی از این سبک‌های رفتاری از سوی دیگر، منجر به شکل‌گیری نوعی تعارض درون‌فردی برای مشارکت‌کنندگان شده بود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان داشت: «در باره موارد مشابهی که فکر می‌کردم من چرا این کارو می‌کنم، نمی‌فهمیدم چرا... توی یه زندگی متأهلی یه دفعه یه کارایی می‌کردم که نمی‌دونستم از کجای وجودم میاد». مصاحبه‌شونده شماره ۵ اظهار داشت: «خب خانواده هم تأثیر داشته که باعث شده من بعضی اشتباهاتشون رو که خودشونم پیشمون انجام ندیم و بعضی اوقات خوب مشکلاتی که پیش اومده باعث شده که نسبت به مشکلات یکم جبهه بگیرم».

#### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، چالش‌های زنان در دوره گذار از مرحله مجرد به زوجیت بررسی شد. هر مرحله از چرخه زندگی خانوادگی، تکالیف، انتظارات و نقش‌های ویژه داشته و آگاهی اعضای خانواده از خصوصیات ویژه هر مرحله اهمیت بسزایی برای انطباق‌پذیری خانواده دارد. یکی از مراحل مهم چرخه زندگی خانوادگی، مرحله انتقال افراد از مجرد به تأهل است که لازمه آن پذیرش نقش‌های جدید و حقوق و تکالیف

مربوط به آن است. عدم آشنایی افراد با خصوصیات و وظایف مربوط به هر مرحله، شکل‌گیری انتظارات غیرواقع‌بینانه را به دنبال دارد و بدیهی است که شناخت ویژگی‌های این مرحله می‌تواند باعث جلوگیری از بروز و افزایش تعارض درون‌فردی و بین‌فردی زوجین شود. از آنجاکه تمرکز پژوهش‌های پیشین بر چالش‌های فرزندآوری زنان و چالش‌های ازدواج مجدد زنان بوده است و به تغییرات نقش‌ها و وظایف زنان در عبور از مرحله مجرد به زوجیت پرداخته نشده است، تأکید پژوهش حاضر بر مطالعه چالش‌های زنان که نقش تأثیرگذاری در تشکیل و پایداری خانواده دارند، بود.

براساس یافته‌های پژوهش، یکی از چالش‌های زنان در دوره گذار از مجرد به زوجیت در قالب مضمون اصلی تغییر معیارهای قبل و بعد از ازدواج طبقه‌بندی شد که شامل ۵ مضمون فرعی است. مضمون فرعی عدم تحقق معیارهای قبل و بعد از ازدواج که بیشترین تکرار را در مصاحبه‌ها داشت، هم‌سو با نتایج پژوهش شکرپیگی و همکاران (۱۳۹۵) است. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که پندارهایی که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان پیش از ازدواج، نسبت به زندگی زناشویی در سر می‌پروراندند با شرایطی که بعدها در زندگی واقعی تجربه کرده‌اند، تفاوت زیادی داشته است. بهاتی<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) نیز بر این باور است که کیفیت زندگی زناشویی به پنج عامل بستگی دارد و زوج‌هایی که پیمان زناشویی می‌بندند، پیوندشان را با این موارد آغاز می‌کنند که عبارتند از: انتظارات از یکدیگر در مقام همسر، انتظارات از زوج، انتظارات از خانواده همسر، انتظارات از نهاد ازدواج و تصویر یا مفهومی از شریک زندگی ایده‌آل. در تبیین این یافته می‌توان گفت که برای کاهش چالش‌های ازدواج لازم است جوانان نسبت به معیارهای انتخاب همسر قبل از ازدواج، خودآگاهی خود را افزایش دهند. از نظر دینی، انتخاب همسر بر اساس معیارهای فردی اهمیت زیادی دارد و با وجود ضرورت احترام به والدین، وقتی شخصی از امام صادق (ع) سؤال می‌کند: «من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم»؛ امام (ع) فرمود: «با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن و زنی را که پدر و مادرت [بدون رضایت تو] انتخاب کرده‌اند، رها کن» (طوسی، ۱۳۶۵، ۳۹۲/۷).

۱. Bhatti, R. S.

نگرش ایدئال‌گرایانه یا نادیده گرفتن جنبه‌های شخصیتی شریک بالقوه زندگی در کنار باورهایی غیرواقع‌بینانه در رابطه با ازدواج و زندگی زناشویی باعث بروز نوعی حالت سرخوردگی در می‌شود؛ زیرا با گذشت مدت زمانی از ازدواج و شناخت بیشتر خصوصیات همسر و خانواده او، فرد با واقعیتی متفاوت روبه‌رو می‌شود و اگر مهارت رویارویی و انطباق با فشار روانی ناشی از این واقعیت را نداشته باشد، حالت سرخوردگی ناشی از آن باعث بروز چالش و تعارض می‌شود. یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌کنندگان در قالب مضمون اصلی ارتباط با همسر قرار گرفت که در ۶ مضمون فرعی قرار داده شد. عدم کنترل خشم همسر به‌عنوان یکی از چالش‌های زنان، با یافته پژوهش اخوی ثمرین، محسن‌زاده، زهراکار و احمدی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل زمینه‌ساز طلاق، راهبردهای ارتباطی و هیجانی ناکارآمد و یکی از زیرمؤلفه‌های آن، عدم کنترل خشم زوجین است. خداوند در سوره نساء زوجین را به حسن معاشرت با یکدیگر و محبت دیدن و محبت ورزیدن دعوت کرده است (ر.ک، نساء: ۵).

نتایج پژوهش بشکار، سودانی و شهنی بیلاق (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش تعارضات زناشویی تأثیر معناداری دارد. در همین رابطه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بهترین مردان امت من کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن نباشند و اهانت نکنند و دلسوزشان باشند و به آنان ظلم نکنند» (طبرسی، ۱۳۸۷). در تبیین این یافته می‌توان گفت که عدم توانایی مدیریت خشم در زوجین (در این پژوهش مرد) موجب ناتوانی آنها در حل و فصل چالش‌ها و در نتیجه تبدیل آنها به تعارض می‌شود. علاوه‌براین، عدم مدیریت خشم در درازمدت باعث کاهش صمیمیت زوجین و در نتیجه فاصله گرفتن آنها از یکدیگر می‌شود. همچنین عدم کنترل خشم می‌تواند مانعی برای ابراز و در نهایت ارضای نیازها و انتظارات زوجین شود.

ارتباط با خانواده‌ها یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود که در قالب ۵ مضمون فرعی طبقه‌بندی شد. دخالت خانواده‌ها در امور زوجین به‌عنوان مضمونی فرعی با نتایج پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر وجود رابطه مثبت معنادار بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با تعارضات زناشویی همسوست. همچنین

نتایج پژوهش بلوردی، بلوردی و آقاجانی (۱۳۹۴) نیز یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. فتحی، پروین و جهادیان (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود در مورد علل بی‌وفایی در روابط زناشویی به این نتیجه رسیدند که تعدادی از مشارکت‌کنندگان، ریشه مشکلات زناشویی خود را دخالت‌های خانواده همسر می‌دانستند. در دخالت و اجبار خانواده‌ها افراد به مشکلاتی از جمله عدم رعایت مرزهای زناشویی، اجبار بین‌فرهنگی میان همسران، دخالت و مانع‌سازی، عدم پذیرش و نیز عدم احترام به فرهنگ همسر میزبان مواجه می‌شوند (رجبی، حمیدی، امان‌الهی و اصلانی، ۱۳۹۷).

عدم صداقت خانواده همسر که یکی دیگر از چالش‌های مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان بود در شکل‌گیری عدم اطمینان و سردی روابط نقش بسزایی داشت. بدیهی است که وجود عدم صداقت میان اعضای خانواده، موجب بدگمانی آنها به یکدیگر شده و از صمیمیت آنها می‌کاهد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از مشکلات اساسی بسیاری از زوجین، عدم توانایی در ایجاد مرزهایی شفاف و واضح بین خود و خانواده‌هاست. بسیاری از زوجین مرزهایی گنگ و مبهم با خانواده‌های اصلی خود دارند و دیگر اعضای خانواده به راحتی به زیرمنظومه زوجینی آنها وارد می‌شوند و زوجین، استقلال و مهارت‌های لازم و کافی برای حفظ اعتدال در برقراری روابط را ندارند. این موضوع موجب بروز چالش در زندگی زناشویی می‌شود. به نظر می‌رسد ویژگی‌های فرهنگ سنتی جامعه ایران نیز در بروز این مسئله بی‌تأثیر نباشد؛ زیرا ورود دخالت‌آمیز خانواده‌ها به مسائل زوجین و تمایل آنها برای حل و فصل کردن مشکلات زوج در برخی از خانواده‌ها امری طبیعی است. درحالی‌که اگر زوجین به سطح بالایی از تمایز یافتگی از خانواده اصلی خود رسیده باشند تمایل به استقلال و حل و فصل مسائل در مرزهای زوجی خود دارند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «برترین چیزی که به آن صلح‌رحم می‌شود خودداری کردن از اذیت و آزار آنهاست». (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۱/۲) حمایت‌های معنوی و مادی خانواده‌ها از زوجین می‌تواند یک منبع حمایتی ارزشمند برای آنها باشد، اما زوجین و خانواده‌ها با توجه به مرزبندی‌های ضروری می‌توانند از دخالت‌های آسیب‌زا جلوگیری کنند.

مقوله ناپختگی در مواجهه با واکنش‌های خانواده همسر در پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۶) همسوست. پژوهش آنها نشان داد

که یکی از عوامل زمینه‌ساز طلاق زوجین، عدم آمادگی برای ازدواج و عدم برخورداری از پختگی لازم است و عواملی مانند ازدواج در سنین پایین، عدم آگاهی از شیوه‌های مناسب حل مسئله و حل تعارض می‌تواند موجب بروز چالش‌هایی در زندگی زناشویی شود.

یکی از چالش‌های زنان در ورود به زندگی زناشویی می‌تواند سازگاری و انطباق با شرایط و انتظارات خانواده همسر باشد که در صورت عدم برخورداری از مهارت‌های یاد شده و منابع حمایتی، تفاوت‌های موجود می‌تواند باعث بروز چالش و تعارض شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که عدم برخورداری از مهارت‌های حل مسئله می‌تواند باعث تعارض جدی شود؛ زیرا تفاوت‌های طبیعی بین دو خانواده پرنسنگ‌تر شده و میزان پذیرش زوجین نسبت به این تفاوت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به آموزه‌های دین اسلام، والدین همسر مانند والدین خود فرد است و حفظ احترام آنها مانند احترام والدین خود، ضروری است (ر.ک.، امینی، ۱۳۶۶، ۱/۳۶۹). بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که عدم توجه مناسب به والدین همسر در جایگاه والدین خود و زودرنجی نسبت به رفتارهای آنها از علل بروز چالش در زندگی زناشویی است. اگر زوجین در آغاز زندگی با این فشار به‌صورتی مقتضی مقابله و آن را حل و فصل نکنند، مزمن و پایدار شده و می‌تواند به زندگی زوجی آسیب برساند.

چالش در زمینه مدیریت تفاوت‌ها با ۷ مضمون فرعی، یکی دیگر از چالش‌های زنان بود. وجود تفاوت‌های بین‌فردی در حیطه‌های مختلف مانند خصوصیات جسمانی و ظاهری و ویژگی‌های خلقی و روان‌شناختی، امری طبیعی بوده که در متون مختلف اسلامی نیز به آن اشاره شده است. ناهماهنگی هیجانی با همسر به‌عنوان یکی از چالش‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش فتحی و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. ایشان دریافتند که در طبقه چالش‌های ناشی از تفاوت‌ها، اختلاف باورها و سلايق در هر دو جنس مشترک بود، اما برای زنان، اختلاف ویژگی‌های شخصیتی و علایق مانند هیجانی بودن در برابر روتین و آرام بودن اهمیت خاصی دارد. همچنین هر دو جنس معتقد بودند که انتظارات آنها از ازدواج برآورده نشده است و خود را برتر از همسر خود می‌دانستند.

برای زنان، ابراز علاقه مستمر از راه‌های مختلف توسط همسر مهم است. محقق نشدن انتظارات از ازدواج، فاصله زیاد همسر با فرد دلخواه، احساس برتری نسبت به همسر و احساس اجحاف از دلایل نارضایتی زناشویی است. از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان به اختلافات اساسی در عقاید، باورها و سلیق با همسر اشاره کرد که از موانع ایجاد صمیمیت در بین زوجین است. البته برای زنان، اختلاف ویژگی‌های شخصیتی و علایق مانند هیجانی بودن در برابر آرام بودن اهمیت ویژه‌ای دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وجود تفاوت فاحش میان خصوصیات شخصیتی و رفتاری زوجین می‌تواند باعث افزایش فاصله و کاهش صمیمیت در زوجین شود؛ زیرا اگر زوجین قادر به مدیریت تفاوت در این حیطه‌ها نباشند برای انجام فعالیت‌های مشترک مانند تفریحات، دید و بازدیدها و سایر فعالیت‌های مربوط به خانواده با مشکل مواجه خواهند شد. علاوه بر این، وجود این تفاوت‌ها می‌تواند عدم برآورده شدن انتظارات زوجین از یکدیگر و در نتیجه اختلاف را به دنبال داشته باشد.

چالش دیگر شرکت‌کنندگان، مدیریت نقش‌ها با ۸ مضمون فرعی بود. نتایج پژوهش شکرپیگی و همکاران (۱۳۹۵)، مواجهه با چالش مسئولیت خانه‌داری را به‌عنوان یکی از مسائل زوجین تأیید می‌کند. بدری‌منش و صادقی‌فسایی (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که با وجود بروز تغییراتی در ساختار خانواده‌ها و نقش‌ها و وظایف زنان، رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان که بر عهده زنان است، می‌تواند موجب بروز اختلاف و چالش در زندگی زوجین شود. در حقیقت باتوجه به وقت‌گیر بودن مسئولیت خانگی که بر دوش زنان است و بیشتر مواقع مانع رشد زنان در جنبه‌های دیگر مانند تحصیل و اشتغال می‌شود، تقسیم‌بندی کار در منزل منشأ اختلاف و تعارض در بسیاری از خانواده‌ها می‌شود. امام علی (ع) در اهمیت مشورت و همکاری و نقش آن در برابر مشکلات و چالش‌ها می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰). در طول تاریخ نیز مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی آنهایی بوده‌اند که زوجین و فرزندان با هم‌فکری و همکاری گام برداشته‌اند که بارزترین نمونه آن زندگی امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) است (حسن‌زاده، ۱۳۹۳). پیامبر اکرم (ص) در مورد همکاری مرد در خانه به امام علی (ع) سفارش کرده و می‌فرماید: «مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند مگر آنکه به تعداد موهای بدنش،

عبادت یکسال روزه با نماز در شب‌هایش برای او پاداش قرار می‌دهند و خداوند پاداش پیامبران صبورى مانند داوود(ع)، یعقوب(ع) و عیسی(ع) را برای او قرار می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۰۶/۱۰۱). در تبیین این یافته می‌توان گفت که ورود دختران از دوره مجرد با نقش و مسئولیت محدودتر و در نتیجه چالش کمتر و حتی گاهی بدون پرورش پذیرش مسئولیت در امور روزمره به دوره تأهل که مشخصه آن پذیرش نقش‌های همسری و مادری در کنار سایر نقش‌هاست آنها را با مسئولیت جدیدی روبه‌رو می‌کند. وظایف هم‌زمانی که می‌تواند باعث بروز چالش شود.

با وجود بروز تغییراتی در ساختار خانواده‌ها، تقسیم وظایف بین زوجین بیشتر به‌شیوه سنتی انجام می‌شود و انتظار مردان از همسرانشان این است که امور مربوط به منزل توسط آنها انجام شود. دشواری قبول مسئولیت‌های دوره تأهل از سویی و انتظار مردان و جامعه برای رسیدگی کامل زنان به مسئولیت‌های خانه از سوی دیگر باعث بروز چالش در زندگی مشترک می‌شود. فرزندآوری نیز به‌عنوان یکی دیگر از مضامین فرعی چالش مدیریت نقش‌ها، از دیگر چالش‌های زنان در پژوهش حاضر بود که با پژوهش شاه‌آبادی، سرایی و خلج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۵) همسوست. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نگرش زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آنها در مورد ادامه تحصیل پس از ازدواج به‌عنوان متغیری مهم و تأثیرگذار بر قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول تأثیرگذار است. همچنین نتایج پژوهش رازقی نصرآباد (۱۳۹۵) نشان داد که زنان دانشجوی به‌دلیل صرف زمان طولانی از وقت خود برای فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی، مشکلات انجام هم‌زمان نقش دانشجویی و مادری و مسائل مالی و اقتصادی که در ابتدای ازدواج با آنها مواجه هستند، فرزندآوری را با تأخیر آغاز می‌کنند. به‌وجود آمدن موقعیت مادری برای زنان موجب می‌شود با تحمل مشکلات فرزندآوری به کمال معنوی بیشتری برسند و روح خود را بر اثر شکیبایی و ایثار بالنده کنند و به‌واسطه مسئولیتی که در خانه و خانواده دارند به تلاش بیشتر روی آورند و استعداد‌های خود را برای اداره مناسب خانواده به‌کار بگیرند و در نتیجه به موفقیت بیشتری دست یابند. تشکیل خانواده و فرزندآوری نه‌تنها باعث بروز مشکلات معیشتی نمی‌شود بلکه در پرتو ازدواج و فرزندآوری وعده توسعه رزق داده شده است (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۹۵/۱۵).

افزایش تعداد و امکانات دانشگاه‌ها از سویی و گرایش تعداد بیشتری از زنان به ادامه تحصیل و اشتغال پس از ازدواج از سویی دیگر، موجب شده است تا رسیدگی زنان به امور خانه‌داری که نقشی مورد انتظار در فرهنگ ایرانی است با چالش همراه باشد. امروزه تعداد کمتری از زنان، نقش خود را محدود به نقش همسری و مادری می‌دانند و درصدد ارتقای جایگاه خود در جامعه هستند. با توجه به وضعیت اقتصادی و وابستگی بسیاری از مردان و حتی زنان به خانواده‌های اصلی خود، زوجین به احتمال بیشتری تصمیم خود برای فرزندآوری را به تعویق می‌اندازند. البته در این میان نباید پافشاری برخی از مردان برای فرزندآوری در سال‌های ابتدایی ازدواج را نادیده گرفت؛ زیرا برخی از مردان، اشتغال و ادامه تحصیل همسرانشان را به عنوان مانعی برای فرزندآوری می‌دانند. به عبارت دیگر، برخی از مردان به سنت‌هایی که گاهی موجب محدودیت نقش زنان در جامعه می‌شود، پایبندند که این مسئله می‌تواند باعث بروز اختلاف نظر و چالش شود.

انعطاف‌پذیری در تغییر خود با ۳ مضمون فرعی از دیگر چالش‌های شرکت‌کنندگان بود. یافته‌های پژوهش قاسمی، عرب خراسانی و ربانی خوراسگانی (۱۳۹۷) نیز نشان داد که زنان مایل به تکرار نسخه مادران خود از زندگی خانوادگی نیستند، اما در بستر تصمیم‌مدامی که مدرنیته رقم می‌زند قادر به صورت‌بندی جدیدی نیز از آن نیستند. این اعتراضی است که بیشتر مردان به این وضعیت زنان دارند و سرگردانی زنان از نبود معیار روشن نیز ناشی از این وضعیت است. ناگفته پیداست که نقش والدین در شکل‌گیری رفتارها و خصوصیات فرزندان، نقشی غیر قابل انکار است و تأثیر شیوه‌های تربیتی و رفتاری والدین بر فرزندان اغلب تا پایان عمر بر فرزندان وجود دارد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر دنباله‌روی توست» (رنجبری‌حیدرباغی، ۱۳۸۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت که برخی از زنان در رابطه با الگوبرداری از رفتارهای والدین به‌ویژه مادران خود دچار نوعی تناقض هستند. برخی زنان با بررسی و ارزیابی الگوهای رفتاری مادران خود، تصمیم به اعمال تغییراتی در شیوه‌های آنان می‌گیرند؛ زیرا مایل به تکرار الگوهای قدیمی و غیرسازنده مادران خود نیستند، اما در عمل با مشکل مواجه می‌شوند؛ زیرا الگوی جایگزینی برای آن رفتارها ندارند. یکی از علل این مسئله می‌تواند وضعیت

فعلی جامعه باشد؛ جامعه در حال گذار است و نوعی عدم رضایت از نقش‌ها و الگوهای پیشین در جوانان وجود دارد که در عمل نیز در ارائه الگویی جایگزین و مطلوب با مشکل مواجه شده‌اند.

اثرگذاری چالش‌های ذکر شده بر زندگی زوجین به دو عامل بستگی دارد: یکی شدت استرس ادراک شده و دیگری، توانایی آنان در مقابله کارآمد. همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد در صورت حل نشدن چالش‌ها در دوره گذار، زوجین دچار فشار مزمن می‌شوند. مطالعه کارنی و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد که استرس مزمن در طول سال‌های اولیه زندگی مشترک با رضایت زناشویی کمتر ارتباط دارد. همچنین تسر و بیچ نشان دادند که میزان استرس‌زا بودن وقایع در تعامل و قضاوت زوجین نسبت به یکدیگر مؤثر است. به عبارت دیگر اگر استرس تجربه شده پایین باشد، شدت تخریب تعامل زوجین کمتر و اگر استرس بالا باشد شناخت و قضاوت زوجین به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه تعامل آنها با یکدیگر بیشتر دچار آسیب می‌شود (تسر و بیچ، ۱۹۹۸).

پژوهش حاضر به صورت کیفی و به منظور شناسایی چالش‌های زنان در گذار از مرحله مجرد به زوجیت انجام شده است. در یک نگاه کلی می‌توان یافته‌های حاصل از پژوهش را در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد. بر اساس یافته‌ها، چالش‌های تجربه شده توسط شرکت‌کنندگان ناشی از عدم اطلاع و یا عدم همخوانی میان انتظارات آنها از رابطه زناشویی و ازدواج با واقعیت موجود بود. شرکت‌کنندگان تصوراتی از ویژگی‌های همسر، خانواده او و یا ازدواج داشتند که پس از گذشت مدتی از زندگی زناشویی متوجه واقعیتی متفاوت شده بودند. همچنین براساس یافته‌ها، شرکت‌کنندگان پس از آگاهی از این تفاوت‌ها، مهارت‌های لازم برای مدیریت آنها و مواجهه مؤثر با چالش‌ها را نداشتند و این باعث پررنگ شدن مسائل آنها شده بود.

یافته‌های پژوهش حاضر، ضرورت مراجعه افراد برای جلسه‌های مشاوره پیش از ازدواج را پررنگ می‌کند؛ زیرا بسیاری از چالش‌های تجربه شده توسط شرکت‌کنندگان به دلیل عدم شناخت و آگاهی آنها نسبت به معیارهای انتخاب همسر، عدم آشنایی با باورها و ارزش‌های یکدیگر و بی‌اطلاعی از ویژگی‌های روان‌شناختی همسر بود و با تشویق زوجین به حضور در جلسه‌های مشاوره پیش از ازدواج و کسب آگاهی در

رابطه با تفاوت‌های خود و همسرشان می‌تواند مانع بروز چالش‌ها شود. برخی از چالش‌های تجربه شده به واسطه عدم برخورداری افراد از مهارت‌هایی مانند مدیریت هیجان به‌ویژه مدیریت خشم و یا عدم توانایی در ایجاد مرزهای سالم و شفاف با خانواده‌های اصلی بود که باعث شکل‌گیری مشکلاتی برای شرکت‌کنندگان شده بود و به‌نظر می‌رسد جلسه‌های مشاوره پیش و پس از ازدواج که می‌تواند در مراکز مشاوره، مراکز بهداشت و سایر نهادهای مرتبط با امور خانواده و سلامت روان برگزار شود از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کرده و یا در صورت بروز به‌صورت مؤثرتری حل و فصل شوند. علاوه‌براین، ارائه آموزش‌هایی در زمینه مدیریت نقش‌های گوناگون مانند همسری، مادری، حرفه‌ای و تحصیلی می‌تواند در پیشگیری از بسیاری از چالش‌های مطرح شده در این زمینه کمک‌کننده باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، چالش‌های مردان در گذار از مرحله مجرد به زوجیت و والدینی نیز بررسی شود تا در کنار یافته‌های پژوهش حاضر، دیدگاهی جامع‌تر نسبت به چالش‌های مرحله گذار از مجرد به زوجیت به‌وجود آورد.

#### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: دلیل‌ما.
- \* نهج‌البلاغه (۱۳۹۰). مترجم: استادولی، حسین. تهران: انتشارات اسوه.
۱. اخوی‌ثمرین، زهرا، زهراکار، کیانوش، محسن‌زاده، فرشاد، و احمدی، خدابخش (۱۳۹۶). بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران. پژوهشی کیفی. نشریه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۲(۴۰)، ۱۰۵-۱۲۶.
  ۲. افق‌ری، فاطمه، بهرامی، فاطمه، و فاتحی‌زاده، مریم‌السادات (۱۳۹۵). بررسی آسیب‌های موجود در تعامل زوجین با والدین خود بعد از ازدواج. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۲(۲)، ۲۰۹-۲۳۸.
  ۳. امامی‌سیگارودی، عبدالحسین، دهقان‌نیری، ناهید، رهنورد، زهرا، و نوری‌سعید، علی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی. نشریه پرستاری و مامایی جامع‌نگر، ۲۲(۶۸)، ۵۶-۶۳.
  ۴. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). الغدیر فی‌الکتاب السنه و الادب. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  ۵. آبرکرامی، نیکولاس (۱۳۸۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی. مترجم: جلیلی، هادی. تهران: نشر نی.
  ۶. بدری‌منش، اعظم، و صادقی‌فسایی، سهیلا (۱۳۹۴). مطالعه تفسیری نقش خانه‌داری. نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۱)، ۵۹-۸۸.
  ۷. بشکار، سلطانعلی، سودانی، منصور، و شهنی‌بیلاق، منیجه (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش تعارضات زناشویی. نشریه دست‌آوردهای روان‌شناختی، ۱۹(۱)، ۱۹۹-۲۲۶.

۸. بلالی، اسماعیل، محبی، سیده فاطمه، و حسینی، شیما سادات (۱۳۹۶). واکاوی کیفی چالش‌های ایفای هم‌زمان نقش‌های دانشجویی و خانوادگی. نشریه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۱۹(۷۵)، ۳۲-۶۳.
۹. بلوردی، طیبه، بلوردی، زهیر مصطفی، و آقاجانی، محمود (۱۳۹۴). عوامل تعیین‌کننده گرایش به طلاق توافقی: یک مطالعه کیفی. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۴(۴)، ۴۴۸-۴۵۵.
۱۰. بهشتی، احمد (۱۳۶۱). خانواده در قرآن. قم: انتشارات طریق‌القدس.
۱۱. بیگ‌محمدی اندریان، محمد رحیم (۱۳۹۸). چهل حدیث ازدواج. قم: انتشارات معروف.
۱۲. پوراسماعلی، اصغر، حشمتی، رسول، و پرنیان خوی، مریم (۱۳۹۸). نقش عملکرد خانواده اصلی و روان‌رنجورخویی در باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق. نشریه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۴۰(۱۰)، ۱۵۵-۱۷۴.
۱۳. ثنایی، باقر (۱۳۷۸). نقش خانواده‌های اصلی در ازدواج فرزندان. نشریه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۲)، ۲۱-۴۶.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
۱۵. جهان‌بخشی، زهرا، یوسفی، ناصر، و کشاورز افشار، حسین (۱۳۹۳). بررسی کیفی چالش‌ها، تغییرات و رضایت زناشویی زنان در گذر به والدینی. نشریه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره، ۱۳(۵۱)، ۷۹-۶۴.
۱۶. حرعاملی، محمدحسن (۱۴۰۹هـ.ق). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۷. حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۳). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. نشریه پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۴(۱۵)، ۴۵-۶۸.
۱۸. حسینی، محمدرضا (۱۳۹۷). گذارهای فریزشده دوره جوانی و تغییر در الگوی گذار به بزرگسالی در ایران. نشریه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۲)، ۹-۳۷.
۱۹. رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی (۱۳۹۵). چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر تأخیر در فرزندآوری: نتایج یک مطالعه کیفی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. نشریه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، ۲۲، ۱۶۷-۱۹۰.
۲۰. رجبی، غلامرضا، حمیدی، امید، امان‌الهی، عباس، و اصلانی، خالد (۱۳۹۷). پی‌کاوی تجربه زیسته رضایت زناشویی زوجین دارای تفاوت فرهنگی: یک مطالعه پدیدارشناسی. نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۸(۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
۲۱. رنجبری حیدرباغی، احمد (۱۳۸۳). متن و ترجمه رساله الحقوق امام سجاد (ع). قم: مؤسسه انتشارات حضور.
۲۲. شاطریان، مریم (۱۳۹۶). بررسی کیفی نقش ارتباطات قبل از ازدواج در رفتارهای کنترل‌گرایانه و سازگاری همسران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۳. شاه‌آبادی، زهرا، سربای، حسن، و خلج‌آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۵). بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل پس از ازدواج و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری (مطالعه زنان در شرف ازدواج شهرستان نیشابور). نشریه علوم اجتماعی، ۲۲(۷۱)، ۱۲۶-۱۶۲.

۲۴. شکرپیگی، عالیہ، احمدی، امیدعلی، و ابراهیمی منش، مریم (۱۳۹۵). بازنمایی معنایی ماهیت زندگی زناشویی در ازدواج‌های ناموفق (رویکردی بر ساخت‌گرایانه). **نشریه علمی-پژوهشی زن و جامعه**، ۷(۲۶)، ۸۸-۶۹.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۷). مکارم‌الاخلاق. مترجم و مصحح: رحیمیان، محمدحسین. قم: مؤمنین.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۵). تهذیب‌الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. فتحی، منصور، پروین، ستار، و جوادیان، سیدرضا (۱۳۹۵). مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی: یک مطالعه کیفی. **نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، ۵(۴)، ۴۰۱-۴۱۸.
۲۸. فریدمن، جین (۱۳۸۱). **فمینیسم**. مترجم: مهاجر، فیروزه. تهران: نشر آشیان.
۲۹. قاسمی، حسین، اعتمادی، عذرا، و احمدی، سید احمد (۱۳۹۵). شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی. **نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، ۵(۳)، ۲۵۰-۲۶۲.
۳۰. قاسمی، وحید، و عرب‌خراسانی، سمیه، و ربانی‌خوراسگانی، علی (۱۳۹۷). تقاطع جنسیت و خانواده؛ فهم زنانه از ازدواج و زندگی خانوادگی. **نشریه زن در توسعه و سیاست**، ۱۶(۴)، ۴۹۹-۵۲۴.
۳۱. کلینی، محمد (۱۳۶۵). **اصول و فروع کافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. گولدنبرگ، هربرت، و گولدنبرگ، آیرین (۱۳۹۴). **خانواده‌درمانی**. مترجم: فیروزبخت، مهرداد. تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳۳. لانگ، لین، و یانگ، مارک (۱۳۹۳). مشاوره و روان‌درمانی مسائل زن و شوهری. مترجم: محمدنظری، علی، خدادادی، جواد، اسدی، مسعود، ناموران، کبری، و صاحب‌دل، حسین. تهران: انتشارات آوای نور.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴هـ.ق). **بحارالانوار**. بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. موسوی، اشرف‌السادات (۱۳۸۲). **خانواده‌درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی**. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
۳۷. نظری، علی محمد (۱۳۹۲). **مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی**. تهران: انتشارات علم.
۳۸. Bhatti, R. S. (۱۹۹۳). Changes in the institution of marriage and family structures: Problems and Solutions. **Paper presented at the International Conference on Respect for Life: The Priority of the Nineties**. St. John's Medical College and Hospital, Bangalore, Karnataka.
۳۹. Blumstein, P. (۱۹۷۵). Identity bargaining and self-conception. **Journal of Social Forces**, ۵۳, ۴۷۶-۴۸۵.
۴۰. Hall, S. S., & Adams, R. A. (۲۰۱۱). Newlyweds' unexpected adjustments to marriage. **Family and Consumer Sciences Research Journal**, ۳۹, ۳۷۵-۳۸۷.
۴۱. Huston, T. L., Caughlin, J. P., Houts, R. M., Smith, S. E., & George, L. J. (۲۰۰۱). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital dehigh, distress, and divorce. **Journal of Personality and Social Psychology**, ۸۰, ۲۴۸-۲۹۳.

۴۲. Innocent, M., & Herbert, Z. (۲۰۲۰). Challenges of young couples in transitioning from dating to marriage in Masvingo Urban, Zimbabwe. *International Journal of Education and Psychology in the Community*, ۱۰ (۱ & ۲), ۱۳۱-۱۴۲.
۴۳. Karney, B. R., Story, L. B., & Bradbury, T. N. (۲۰۰۵). *Marriages in Context: Interactions Between Chronic and Acute Stress among Newlyweds*. Washington, DC: American Psychological Association.
۴۴. Lashari, S. A., & Lashari, T. A. (۲۰۱۷). Predicting the role of husbands supportive attitude and in-laws towards marital adjustment among married women. *Journal of computational and theoretical nanoscience*, ۲۳(۹), ۹۱۰۱-۹۱۰۶.
۴۵. Neff, L. A., & Karney, B. R. (۲۰۰۴). How does context affect intimate relationships? Linking external stress and cognitive processes within marriage. *Personality and Social Psychology Bulletin*, ۳۰(۲), ۱۳۴-۱۴۸.
۴۶. Neff, L. A., & Karney, B. R. (۲۰۰۷). Stress crossover in early marriage: A longitudinal and dyadic perspective. *Journal of Marriage and the Family*, ۶۹, ۵۹۴-۶۰۷.
۴۷. Neff, L. A., & Karney, B. R. (۲۰۰۹). Stress and reactivity to daily relationship experiences: How stress hinders adaptive processes in marriage. *Journal of personality and social psychology*, ۹۷(۳), ۴۳۵-۴۵۰.
۴۸. Repetti, R. L. (۱۹۸۹). Effects of daily workload on subsequent behavior during marital interaction: The roles of social withdrawal and spouse support. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵۷, ۶۵۱-۶۵۹
۴۹. Rodgers, R. H., & White, J. M. (۱۹۹۳). Family development theory. In P. G. Boss, W. J. Doherty, R. LaRossa, W. R., Schumm, & S. K. Steinmetz (Eds.), *Sourcebook of family theories and methods: a contextual approach*. New York: Plenum Press.
۵۰. Tesser, A., & Beach, S. R. H. (۱۹۹۸). Life events, relationship quality, and depression: An investigation of judgment discontinuity in vivo. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۷۴, ۳۶-۵۲.
۵۱. Van Manen, M. (۱۹۹۷). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy* (۲nd Ed.). London: The Athlouse Press.